



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# خشت اول

بازشناسی و بازخوانی اسناد  
و نسخه های توبه نامه  
سید علی محمد باب

احسان الله شکراللهی طالقانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خشت اول بازشناسی و بازخوانی اسناد و نسخه‌های توبه نامه‌ی سید علی محمد باب

نویسنده:

احسان الله شکراللهی طالقانی

ناشر چاپی:

فصلنامه مطالعات تاریخی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... خشت اول بازشناسی و بازخوانی اسناد و نسخه‌های توبه نامه‌ی سید علی محمد باب
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... توبه در تاریخ تصوف و سه سؤال
۷	..... رد پای دالگوروی در ماجرای باب و بها
۱۳	..... چگونگی انتقال توبه نامه باب به کتابخانه مجلس
۱۳	..... پاورقی
۱۵	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## خشت اول بازشناسی و بازخوانی اسناد و نسخه‌های توبه نامی سید علی محمد باب

### مشخصات کتاب

مؤلف: احسان الله شکراللهی طالقانی

فصلنامه مطالعات تاریخی / ویژه نامه بهائیت / سال ۴ / شماره ۱۷ / ۱۳۸۶

بر گرفته از:

### مقدمه

با گذشت یک صد سال از نهضت مشروطیت که با حضور تفکرات نو و بروز و ظهور مظاهر تمدن جدید، جامعه‌ی ایرانی را در مسیر ورود به جهان جدید قرار داد، امروز ما می‌توانیم پس از فرونشستن غبارهای یک قرن فراز و نشیب‌های سیاسی، در آرامش نسبی و با در اختیار داشتن منابع و اسناد بسیار به پژوهش و کاوش بپردازیم و برخی از گوشه‌های تاریک تاریخ کشورمان را روشن سازیم. نوشته حاضر با هدف معرفی بهتر و بیشتر یکی از اسناد مهم تاریخ سیاسی و مذهبی ایران تنظیم گردیده که پیش‌تر نیز دیگران و هم این قلم پیرامون آن مطالبی را ارائه نموده بودند. با این نگاه که پرداختن به ریشه‌های تاریخ هر پدیده، بهترین راه برای آسیب‌شناسی آن پدیده و آسیب‌زدایی پدیده‌های مشابه آن محسوب می‌شود، بدون وارد شدن به لایه‌های عمیق اجتماعی و شرایط سیاسی آن دوران و با مروری گذرا به چگونگی شکل‌گیری، گسترش و ادامه فعالیت فرقه‌ی بایه در ایران به استناد خاطرات کینیاز دالگوروکی سفیر روسیه تزاری، اسناد مربوط به «توبه‌نامه‌های سید علی محمد باب» را مورد بازشناسی و بازخوانی قرار می‌دهیم.

### توبه در تاریخ تصوف و سه سؤال

با مطالعه در تاریخ تصوف به حکایاتی بر می‌خوریم که در آن به توبه‌ی عارفان اشاره شده، به نظر می‌آید داستان‌های افسانه‌وار و خیال‌انگیز با این هدف تصنیف شده است که بر تأثیر عرفان در هدایت انسان تأکید شود تا در ذهن مردم خاصه عوام، مؤثر افتد و حسن ظنی نسبت به گروه عارفان و مشایخ پیدا کنند. داستان تنبه، انقلاب و توبه‌ی عرفایی چون «شید احمد جام»، «ابوحفص حداد»، «مالک دینار»، «جلال‌الدین مولوی»، «فضیل عیاض»، «ابراهیم ادهم» و «ابوبکر شبلی» از این دست است [۱]. اما داستان توبه سید علی محمد باب، از گونه‌ای دیگر است. توبه‌ی از سر تحول روحی با توبه‌ی از سر ناچاری و درماندگی و ترس آن هم در تنگنای قافیه، نیاز به تأمل بیشتری دارند. البته تردید نیست که توبه‌ی درست و از سر پشیمانی واقعی نه مصلحتی و موقتی در تکامل فرد و جامعه بسیار مؤثر است. اگر از نگاه حقوقی و جزایی اسلام به توبه نگاهی بیندازیم در می‌یابیم که توبه‌ی تدبیری کیفر زداست که حتی با برخی از جدیدترین نظریات جرم‌شناسی قابل انطباق است. توبه شرایطی دارد که بر طبق آن و با هدف برقراری نظم اجتماعی بیشتر، به الغای کیفر می‌انجامد یا باعث تخفیف در آن می‌شود. از نگاهی دیگر توبه ترک گناه است که در زیباترین و رساترین وجه آن شکل عذرخواهی به خود می‌گیرد، که این عذرخواهی می‌تواند از فرد، افراد یا کل جامعه باشد [۲] حال در بررسی توبه‌نامه‌های «سید علی باب» که از این منظر باید به دو بعد آن توجه کرد: نخست محتوای توبه‌نامه‌ها، سپس تعداد آنها که هر دو گویای حقایق بسیاری است. بدین منظور طرح چند سؤال در اینجا بی‌مناسبت نیست: نخست اینکه چه لزومی دارد فردی با ادعاهایی بزرگ مثل باییت و مهدویت در حضور علما و عموم مردم دست به قلم شود که توبه‌نامه بنویسد؟ آیا رهبر دینی و مذهبی نباید از خود آن قدر شجاعت و استقامت نشان دهد که بر سر عقیده و ایمان خود پایبند بماند و تنها چند ضربه‌ای به کف باید او را

از همه‌ی آرمان و عقیده‌اش بیندازد؟ در صورتی که بسیاری از مبارزان سیاسی و اجتماعی که چنین ادعاهایی هم نداشتند تا پای جان شکنجه شدند اما بر عقیده خود استوار ماندند. یک سؤال اساسی دیگر که پیروان چنین فردی باید از خود پرسند اینک: دلیل پافشاریشان در ادامه پیروی از کسی که حتی خودش به حرف خودش اصرار و ابرامی ندارد، چیست؟ بهاییانی که باب را مبشر دیانت بهایی و رهبر فرقه‌ی خود را حسینعلی نوری (بهاء الله) می‌دانند چگونه می‌توانند علی‌رغم علم به دروغین بودن ادعاهای سید علی محمد باب، باز خود را بهایی بنامند و احساس بدی نداشته باشند؟ به نظر می‌رسد حقایق از دین و نیز واقعیاتی از تاریخ از دید پیروان این مسلک ساختگی پنهان نگه داشته شده و جهل از یک سو و پرده‌پوشی سران این فرقه از سوی دیگر، باعث گردیده که گروهی چشم بسته خود را به چاه بیندازند و با تلقین به نفس، احساس کنند در قله‌ها نفس می‌کشند، و از این واقعیت بی‌خبر مانده‌اند که آلت دست بیگانگانی قرار گرفته‌اند که بر این باور سخت استوارند که: «تفرقه بینداز و حکومت کن.» این سؤال همواره مطرح بوده است که چرا بابیان و بهاییان علی‌رغم ادعاهای گزافی همچون «تحری حقیقت» تا این حد نسبت به پنهان‌سازی و دست‌کاری اسناد مهم سال‌های نخستین فعالیت خویش اصرار، وسواس و حساسیت دارند و حتی آنچه را که به قلم اعضا و به سفارش سران این فرقه نوشته شده یا به کل از دسترس عموم - به ویژه پیروان خود - دور نگه می‌دارند یا به تحریف و تکذیب آنها می‌پردازند. به عنوان نمونه‌ای مهم و بارز کتاب نقطه‌الکاف در تاریخ باب و وقایع هشت سال اول از تاریخ بابیه، تألیف حاجی میرزا جانی کاشانی که نخستین اثر تاریخی تألیف و منتشر شده در این موضوع است و اتفاقاً از سوی جانشینان منتخب باب، یعنی ازلی‌ها تنظیم گردیده و در سال ۱۳۲۸ هجری قمری (مطابق ۱۹۱۰ م) توسط ادوارد براون در سلسله انتشارات بریل منتشر شده است، به فاصله کوتاهی از دسترس عموم خارج و به جای آن کتاب تاریخ دیگری با عنوان تاریخ جدید (در مقابل نقطه‌الکاف که تاریخ قدیم بود) منتشر گردید؟ آیا این کار جز با هدف حذف و تلخیص و تبدیل صورت گرفته است؟ [۳].

### رد پای دالگوروی در ماجرای باب و بها

در خاطرات و گزارش‌های کیناز دالگوروی به روشنی درپای این جاسوس روسیه تزاری در ایجاد فرقه‌ی بابیه و بهاییه برای ایجاد تفرقه در امت اسلامی پیداست [۴]. او که در ابتدا به عنوان مترجم در سفارت روس مشغول به کار شد و پنهان از سفیر و کارکنان سفارت خانه مأمور سری وزارت امور خارجه روس نیز بود، به بهانه‌ی آموختن زبان فارسی و علوم اسلامی با عده‌ای از علمای شیعه تماس گرفت و با اسلام آوردن ظاهری و آموختن دروس حوزوی و تظاهر به دیانت و شریعت و بروز رفتارهای مقدس مآبانه به برخی از ایشان آن چنان نزدیک شد که یکی از آنان به نام «شیخ محمد» از سر مهرورزی و شاید جایزه‌ی اسلام آوردن، برادرزاده‌ی یتیم خود را به عقد ازدواج او در آورد و به مرور ایام از چنان محبوبیتی برخوردار شد که در زمان اقامت در عراق جرئت و جسارت یافت با اسم مستعار «شیخ عیسی لُنکرانی» در کسوت روحانی ظاهر شود و اهداف شوم خویش را دنبال نماید. جالب اینکه او پنهان از سفیر و قائم مقام سفارت روس و با هماهنگی وزارت امور خارجه متبوع خود، توانست این مسیر را ادامه دهد و اگر چه مورد حسادت و سعایت همکاران خود قرار می‌گرفت، اما دست از تصمیم خویش برای ایجاد شکاف میان جامعه‌ی شیعه بر نمی‌داشت، و در نهایت نیز تصمیم خود را با صرف سکه‌های فراوان از طریق جاسوسان در استخدامش از جمله حسینعلی نوری (بعدها بهاء الله) و میرزا یحیی نوری (بعدها صبح ازل) و سید علی محمد شیرازی (بعدها باب) عملی کرد. هر چند بهاییان برای نجات از مخمصه عدم اصالت خویش به خاطرات دالگوروی تشکیک نموده‌اند اما لحن صادقانه این خاطرات و تطابق دقیق آن با وقایع مربوط به باب و بها بر اساس اسناد موجود بسیار حیرت‌انگیز است؛ به ویژه در مقابل متون مجعول بابیه که اکثراً خرافه و تحریف واقعیات دینی و تاریخی است، مملو از عبارات اغراق و ابهام‌آمیز است. این جاسوس زیرک روسی در بخشی از خاطراتش به صراحت می‌نویسد: «من در این فکر بودم که چگونه اختلافات را در میان مسلمانان گسترش دهم و چگونه ایران را به وسیله

ایجاد نفاق و بدبینی مسخر نمایم و تمام همتم متوجه این هدف بود.... من عده‌ای از یاران هم راز خود را به عنوان جاسوس تربیت می‌کردم ولی هیچ کدام از آنان مانند «میرزا حسین علی بهاء» و برادرش «میرزا یحیی صبح ازل» استعداد این کار را نداشتند.» به طور خلاصه خاطرات دالگوروکی حاکی از آن است که: سعایت رقبای روسی دالگوروکی در سفارت روس منجر به فراخوان او شد و چندی در انجام نقشه‌های وی فاصله انداخت اما او بالاخره به حربی زبان، کار خویش را پیش برد و با قبول درخواست وی مبنی بر سفر به عتبات برای خواندن دروس اجتهاد (و تکمیل معلومات برای ضربه زدن به اتحاد اسلام) موافقت شد و او با نام مستعار «شیخ عیسی لنکرانی» وارد کربلا شد و با سید علی محمد باب آشنا گردید. طلبه جوانی از اهالی شیراز که به عقاید شیخی و باطنی و ریاضت متمایل، و از سایر طلاب پولدارتر بود و علاقه‌ی زیادی هم به قلیان و حشیش داشت. دالگوروکی با توجه به اینکه طلاب شیخی مذهب از جمله سید علی محمد باب در میان شیعیان اختلاف افکنده‌اند و به کاسه داغ‌تر از آتش بدل شده‌اند، با ایشان طرح دوستی ریخت و پس از آنکه در محفل خصوصی متوجه استعمال مواد مخدر از سوی سید علی محمد شیرازی شد او را به دلیل ساده‌لوحی و خوش باوری‌هایش، برای رسیدن به مطامع خویش برگزید و پس از شنیدن سخنی از «سید کاظم رشتی» که گفته بود: «شاید الآن امام زمان در همین مکان درس حاضر باشند اما من ایشان را نشناسم» جرقه‌ی توطئه‌ای در ذهن دالگوروکی شکل گرفت و از آنجا که حس می‌کرد مصرف مواد مخدر و تحمل ریاضت باطل، حالت تکبر و جاه‌طلبی و ریاست در سید شیرازی به وجود آورده است، به او تلقین می‌کرد که امام زمان است. او با همه کندذهنی‌اش، دلایلی می‌آورد که غیرقابل قبول بودن این ادعا را ثابت می‌کرد اما دالگوروکی با پافشاری بر پیشنهاد خویش و با استفاده از حربی حشیش و حتی شراب، سید علی محمد را متقاعد که خود را امام زمان معرفی کند و او نیز در نهایت پذیرفت، اما از آنجا که از عواقب چنین ادعایی وحشت داشت در ابتدا خود را باب ارتباط با امام زمان خواند. وی با سفر به بصره و بوشهر، سپس شیراز، کم‌کم ادعای خود را به گوش شیعیان ایران رساند که در اوضاع وانفسای عهد قاجار منتظر ظهور بودند. از سوی دیگر دست دالگوروکی نزد جاسوسان انگلیسی رو شد، چه ایشان نیز در حوزه‌ی کربلا نفوذ کرده بودند و او به ناچار گریخت و با رایزنی وزارت امور خارجه روسیه به ایران مأمور شد و به مرور جای سفیر را گرفت. سید علی محمد نیز در نخستین رویارویی با مخالفین خود یعنی خویشاوندانش، به زودی طرد شد و پس از جلب از سوی «حسین خان مختار» در حضور علمای شیراز محاکمه شد، چوب خورد و پس از چند ماه حبس از شیراز اخراج گردید و وارد اصفهان شد. سفارش دالگوروکی به رفیق اصفهانی‌اش «معمدالدوله» حاکم این شهر به دلیل مرگ وی عقیم ماند و سید علی محمد دوباره دستگیر و روانه تهران شد. حکومت هم ابتدا او را به رباط کریم، سپس به ماکو و چهریق فرستاد. دوستان دالگوروکی هم زمینه‌های اغتشاش در شهرهای رودبار مازندران، کاشان، تبریز و فارس را فراهم کردند. اما از آنجا که انگلستان از کارهای دالگوروکی با خبر شده بود وی تصمیم گرفت برای اینکه رازش کاملاً برملا نشود زمینه‌ای ایجاد کند که سید علی محمد در خارج تهران کشته شود و با تشجیع شاه برای تشکیل جلسه محاکمه در تبریز، علی رغم توبه‌ی سید علی محمد شیرازی، پس از چوب و فلک و اخذ توبه‌نامه او را به ضرب گلوله از پای در آوردند [۵]. همان طور که دالگوروکی از ابتدا سرنخ‌های این خیمه شب بازی پر هزینه برای ایران و اسلام را در دست داشت تا لحظه‌ی پایان کار باب نیز از نزدیک جریان امور را دنبال می‌کرد که مبادا کسی به فتنه‌گری‌های او پی ببرد. عبدالحسین آوره در کتاب کوکب الدریه فی مآثر البهائیه که قبل از برگشتن از بهائیت و تألیف ردیه‌ی کشف الحیل آن را نگاشته در صفحه ۲۴۸ پس از شرح چگونگی تیر باران کردن باب توسط فوج خمسه به سرکردگی آقاجان بیگ خمسه‌ایی می‌نویسد: ... قونسول روس اظهار افسوس نموده رقت آورده بود و گریه کرده... [۶]. و اشک این تمساح جز برای راضی کردن یاران باب به ویژه بهاء الله برای ادامه‌ی راه نبوده است، آن هم نه در انتظار عموم بلکه در خلوت خودشان تا ماجرا پنهان و مکتوم بماند. قدیمی‌ترین منبعی که در آن ماجرای محاکمه‌ی سید علی محمد باب در تبریز در حضور ولیعهد (ناصرالدین میرزا) توسط علمای تبریز درج شده، کتاب نقطه‌ الکاف فی تاریخ البایه اثر حاجی میرزا جانی کاشانی است که



توسط ادوارد براون انگلیسی به سال ۱۹۱۰ م/ ۱۳۲۸ ق/ ۱۲۸۹ ش در لیدن هلند منتشر شد. در صفحه‌ی ۱۳۳ این کتاب آمده: «اما در خصوص آوردن آن جناب به شهر تبریز و چوب زدن اجمال آن، آن است که حاجی [۷] ملعون حکم کرده بود به ولی عهد که حضرت را بخواهند و اجلاس نمایند و حضرات علما نیز جمع شوند و با حضرت در باب بابت و ایشان صحبت نمایند. چون که اختلاف در باب ایشان نموده بودند، جمعی می‌گفتند که ایشان خبط دماغ دارند و لایشعری می‌گویند و بعضی می‌گفتند که خود ایشان مدعی مقام بابت نیستند بلکه آخوند ملا حسین بشرویه مدعی می‌باشند و این نوشتجات از اوست... آن گاه شرح ماجرای محاکمه‌ی باب یا مناظره علمای تبریز با وی را می‌نویسد تا آنجا که هجده چوب به کف پایش می‌زنند، اما از توبه‌ی او چیزی نمی‌نویسد. ولی خوشبختانه در اثر دیگری از نخستین آثار بهاییان، داستان توبه نامه به صراحت آمده است و آن کتاب کشف الغطا ابوالفضل مازندرانی است. علت چاپ توبه‌نامه سید علی محمد در کتاب کشف الغطا خود حکایتی شنیدنی است که شرح آن را به نقل از مقدمه نقطه‌الکاف به قلم ادوارد براون که آن را آقای مصطفی حسینی طباطبایی در کتاب ماجرای باب و بها [۸] آورده می‌خوانیم. وی می‌نویسد: در روزگاری که میرزا حسین علی بهاء (بهاء الله) هنوز زنده بود و در عکا به سر می‌برد و برادرش میرزا یحیی (صبح ازل) نیز در قبرس روزگار می‌گذرانید، خاورشناس نامدار انگلیسی ادوارد براون [به دلیل علاقه‌ای که نسبت به تاریخ مذاهب پیدا کرده، به ویژه پس از خواندن خاطرات کنت دو گوینو] سفری به قبرس و عکا رفته و با هر دو برادر ملاقات می‌کند و آن گاه در صدد بر می‌آید تا یکی از آثار بایان را به چاپ برساند و از میان آثار ایشان، کتاب نقطه‌الکاف، اثر میرزا جانی کاشانی را می‌پسندد و دیباچه‌ای بر آن می‌نگارد و در آنجا به اثبات می‌رساند که میرزا یحیی جانشین منصوب باب بوده و برادرش میرزا حسینعلی، نمی‌تواند موعود بایان باشد. اقدام خاورشناس مذکور بهاییان را سخت نگران می‌سازد و از میان ایشان ابوالفضل گلپایگانی مأمور می‌شود تا بر نوشتار ادوارد براون نقدی بنگارد و اذهان پریشان بهاییان را از نگرانی بیرون آورد و در پی این تصمیم کتاب کشف الغطا را تا صفحه ۱۳۲ می‌نویسد و اجل مهلتش نمی‌دهد. آن گاه مبلغی دیگر به نام مهدی گلپایگانی دست به کار می‌شود و کتاب را به اتمام می‌رساند. در کتاب مذکور برای آنکه نشان داده شود فضایل بهاء الله بیش از علی محمد باب بوده (تا چه رسد به میرزا یحیی) ناگزیر «توبه‌نامه» او مطرح شده است. در صفحه ۲۰۴ کتاب کشف الغطا چاپ تاشکند (مطبعه‌ی کویر) درباره چاپ تصویر توبه‌نامه این گونه آمده است: چون در این عریضه، انابه و استغفار کردن باب و التزام پا به مهر سپردن آن حضرت مذکور است، مناسب چنان به نظر می‌آید که صورت همان دستخط مبارک را نیز محض تکمیل فائد در این مقام مندرج سازیم و موازنه آن را با الواحی که از قلم جمال قدم (بهاء الله) در لجن اعظم (یعنی شهر عکا) به جهت ملوک و سلاطین عالم نازل گردیده به دقت نظر اولی البصائر واگذاریم. جالب اینجاست که طرح توبه نامه برای اثبات برتری بهاء الله نسبت به باب بی‌شبهت به نشستن بر سر شاخه و بریدن آن از بن نیست. بنای بهائیت بر بنیان باب استوار شده و زمانی که این بنیان فرو بریزد، طبیعتاً برای بهائیت هم حرف قابل دفاعی باقی نمی‌ماند. از این رو در میان آنچه امروز به عنوان بهائیت برای مردم زودباور و افراد ساده‌لوح طرح می‌شود هیچ سراغی از داستان توبه نامه نمی‌توان یافت. اما سایر منابعی که در آنها به ماجرای این مناظره‌ی تاریخی پرداخته شده، اعم از کتب تاریخ اهالی باب و بها و آثار سایر تاریخ‌نویسان عهد قاجار و پس از آن به ترتیب تاریخ چاپ عبارت‌اند از: الکواکب لدریة فی مآثر البهائیه، اثر عبد الحسین آواره (۱۳۴۲ ق مساوی ۱۳۱۱ ش ص ۲۲۲) که خود از مبلغین بهایی بود و پس از بازگشت از این آیین آن را نگاشت. "The down - breakers" Nabils narrative of the early day of Bahai. revelation Translated by shoghi Efende. New York, Bahai, pub. committee [۱۹۳۲ = ۱۳۱۱]. Bahai pub. Committee, ۱۱۱. "God Passeby", introd by Georg townshend, wilmette, ۱۱۱. باب و بها را بشناسید، نگاشته فتح الله مفتون یزدی. حیدرآباد دکن [۱۳۷۱ ق مساوی ۱۳۳۱ ش] که اتفاقاً در این اثر نیز به تحریک سید علی محمد باب از سوی کینیاز دالگوروکی اشاره شده است (نگاه کنید به انتهای ص ۷۷ که نوشته: «سید علی محمد ابتدا خواست

رقابت و همکاری با حاجی محمد کریم خان کرمانی نماید ولی علل دیگر که دست بیگانگان آماده کرده بود کم کم پا را بالاتر گذارد...» پیام پدر از صبحی (فضل الله مهتدی که خود از توابعین از بهائیت بود). تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۴. بهایی‌گری اثر احمد کسروی، تهران، مرد امروز، ۱۳۳۵، ص ۳۱. کشف الحیل اثر عبدالحسین آیتی (آواره، مبلغ سابق بهایی که پس از بازگشت عنوان آیتی را برای خود برگزید)، ج ۲، ص ۸۸. فلسفه نیکو، اثر حسن نیکو، تهران، فراهانی، ۱۳۴۳، ص ۱۵۳. بحائیت [کذا] گمراه را بشناسید، (چاپ چهارم کتاب «وسیله سعادت یا احکام بهائیت». تألیف عبدالکریم ملک، تهران، شرکت‌های بازرگانی بین‌المللی لا (قانون)، ۱۳۴۷. بهاییان، تألیف سید محمد باقر نجفی، تهران، طهوری، ۱۳۵۷، ص ۲۱۹. بهائیت به روایت تاریخ، تألیف بهرام افراسیابی، تهران، نشر پرستش، ۱۳۶۶، ص ۸۸. گفت و شنود سید علی محمد باب با روحانیون تبریز، تألیف میرزا محمد تقی مامقانی، به اهتمام حسن مرسلوند، تهران، نشر تاریخ تهران، ۱۳۷۴. ماجرای باب و بها، تألیف مصطفی حسینی طباطبایی، تهران، روزنه، ۱۳۷۹. بهائیت در ایران، تألیف سعید زاهد زاهدانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷. همچنین در بخش سوم کتاب ظهور الحق، تألیف فاضل مازندرانی که از نخستین آثار بهاییان است اما تاریخ انتشار ندارد، به این مناظره تاریخی بر می‌خوریم. بر اساس این منابع و سایر منابع از جمله کشف الغطای میرزا ابوالفضل گلپایگانی و اثر انگلیسی ادوارد براون با عنوان: "Materials for study of Babi Religion" (Cambridge, at the University press, ۱۹۶۱). برگراری جلسه مناظره‌ی بین علمای تبریز و سید علی محمد شیرازی از مسلمات تاریخی است. جالب اینکه در برخی از منابع بهایی که توسط مبلغان و سران این فرقه ترجمه یا بازنویسی شده، تحریفی تاریخی صورت گرفته و جزئیات مناظره به گونه‌ای غیرواقع گزارش شده است، و حتی در برخی از منابع از جمله نقطه‌الکاف اصلا اشاره‌ای به توبه نامه باب و بازگشتش از دعوی بابت و سایر ادعاها ننموده‌اند. در صورتی که بسیاری از منابع اولیه بهاییان توبه نامه را چاپ کرده‌اند. از جمله منابعی که متن یا تصویر توبه نامه و پاسخ علمای تبریز را منتشر ساخته‌اند عبارت‌اند از: باب و بها را بشناسید، بهایی‌گری، کشف الحیل، فلسفه‌ی نیکو، بهائیت گمراه را بشناسید، بهاییان و بهائیت به روایت تاریخ، بهاییان در ایران و کتاب: A – L – M. Quest le successeur du Bab (۱۳۱۲ = ۱۹۹۳، Nicolas. Paris. Libr. d Amerique et orient، ش). از مهم‌ترین منابع فارسی بهاییان که توبه نامه را منتشر ساخته‌اند کشف الغطای ابوالفضل گلپایگانی و ظهور الحق فاضل مازندرانی است. در کتاب پیش گفته‌ی ادوارد براون نیز عین توبه نامه منتشر گردیده است (صفحات ۲۵۶-۲۵۹). اما دو نکته حائز اهمیت در این میان وجود دارد. نخست آنکه پس از انجام مراسم تأدیب که به برخی روایات یازده و به برخی دیگر هجده چوب بر کف پای سید علی محمد شیرازی می‌نوازند، با همین مختصر وی از تمام ادعاهای خود بر می‌گردد و توبه‌نامه‌ای را به خط خود می‌نویسد و علمای تبریز شائبه خبط دماغ او را مطرح می‌کنند و به این ترتیب اعدام او موقتا به تعویق می‌افتد. این پاسخ از سوی علمای تبریز (علی اصغر حسینی و ابوالقاسم حسینی حسینی) نه به صورت شفاهی بلکه به صورت کتبی و آن هم روی همان برگه‌ی توبه‌نامه درج شده است، نه روی برگه‌ای مجزا. در صورتی که همه منتشرکنندگان متن توبه‌نامه و پاسخ علمای تبریز اعم از مؤلفان بهایی و غیربهایی، متن مزبور را جداگانه فرض کرده و در آثار خود آورده‌اند. تنها و تنها استاد حائری به اهمیت این موضوع تأکید داشته‌اند که طی مقاله‌ی دیگری به قلم نگارنده شرح آن آمده، و عینا و برای نخستین بار متن و حاشیه کنار هم منتشر شده است [۶]. نکته مهم دیگر اینکه غیر از توبه‌نامه معروف سید علی محمد باب که در محضر علمای تبریز نوشته، توبه‌نامه‌های دیگر هم سراغ جسته‌ایم که بهانه‌ی اصلی ما برای پرداختن به این نوشته بوده است. یک توبه‌نامه و یک شبه توبه‌نامه دیگر هم هست که هر دو از جهت محتوایی بر توبه‌نامه‌ی اصلی و معروف صحه می‌گذارند: نخست متنی که در تصویر یکی از نسخ مربوط به آرشیو محرمانه بهاییان یافته شد که تحت عنوان «مجموعه آثار حضرت اعلی» [۷] با اجازه‌ی محفل روحانی ملی ایران به تعداد محدود در سال ۱۳۳۳ بدیع تکثیر شده است. اتفاقا عین آن پیش‌تر توسط عبدالحسین آیتی (آواره‌ی پیشین) در کتاب کشف الحیل منتشر شده بود [۸] این مجموعه که جنگی از دست نوشته‌های سید

علی محمد است به خطی خوانا کتابت شده است. با توجه به متن به نظر می‌رسد که توبه‌نامه مزبور مربوط به زمان دستگیری و تنبیه او در شیراز بوده باشد. اینک عین تصویر نسخه و متن پیاده شده آن که سراسر عذر، بی‌بضاعتی و بی‌مایگی و بی‌سوادی است عرضه می‌شود. اما پیش از آن توضیح مختصری در خصوص مجموعه‌ی مزبور لازم به نظر می‌رسد. «ملا حسین جامع» این مجموعه، باید همان «ملا حسین بشرویه‌ای» باشد که در بازگشت باب به شیراز از او استقبال کرد و با او به گفتگو نشست و به عنوان یکی از نخستین مبلغان جدی آیین بابت شهر به شهر گشت و مردم را به طرفداری از سید باب شورانید. صفحه نخست این مجموعه یادداشتی دارد که این نظر را تأیید می‌کند: این مجموعه توابع و ادعیه‌ی مبارکه حضرت باب ارواحنا فداه که به خط جناب ملا حسین می‌باشد در شیراز از نسخه خطی متعلق به سرکار خانم افسر خلیلی استنساخ عکسی شده است. احتمالاً منظور از استنساخ عکسی، کپی برداری است و جامع و کاتب یک نفر (همان ملا حسین بشرویه‌ای) و تنها مالک نسخه خانم افسر خلیلی است. از این نظر مجموعه حاضر حائز اهمیت فراوان است چون حاوی نخستین اسناد مربوط به آغاز فعالیت سید علی محمد باب در ترویج آیین ساختگی خویش است. اما متن نخست از جنگ مزبور: بسم الله الرحمن الرحیم و به نستیعن الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. و بعد چنین گوید اقل خلق الله علی بن [۹] محمد المرحوم محمد رضا طاب ثراه که جمعی ادعای مقام بابت امام علیه‌السلام را نسبت به این بنده ضعیف داده‌اند و حال آنکه مدعی چنین امری نبوده و نیستم و حتم است بر کسی که ادعای چنین امر عظیم را نماید که متصف به جمیع صفات کمالیه علمیه و عملیه بوده، علمی از علوم و رسمی از رسوم را فاقد نباشد، و احاطه بر کل علوم ظاهریه و باطنیه به نهج تحقیق و تفضیل داشته باشد، و نباشد امری از امور کرامه یا خارق عادت که عندالله محمود باشد مگر آنکه بر نحو قطبیت نه به نحو قوه‌ی امکانیه که در همه‌ی اشیاء خداوند بالاصاله یا بالعرض قرار داده مالک باشد، و اگر امری از امور و یا حرفی از علوم را فاقد باشد، شکی نیست که حامل این مقام عظیم نیست و خداوند عالم و اهل ولایت او شاهد و بصیرند که به حرفی از علوم رسوم اهل علم و به امری از خوارق عادات عالم و قادر نیستم، و کلماتی اگر جاری از قلم شده باشد بر محض فطرت بوده و کلاً مخالف قواعد قوم است و دلیل بر هیچ امری نیست و هر کس درباره‌ی حقیر اعتقاد رتبه‌ی بابت امام علیه‌السلام را نماید خداوند گواه است که در ضلالت است و در آخرت در نار و در این ورقه حیل و تقیه نیست، بلکه ظاهر و باطنم بر آنچه نوشته گواهی می‌دهند و کفی بالله ما اقول شهیدا [۱۰]. متن دیگری که در جنگ مورد نظر آمده و در آن نیز با صراحت از ادعاهای خود بازگشته و آن را به جهت خلاصی و گویا در زندان نوشته، بدین قرار است: هو الله تعالی قبله‌ی محترم دام فضلکم، تلاوت آیات دو ورقه خط شریف را نموده، صفحه‌ی عربی به جهت خلاصی کل عرض شده به نظر شریف خواهد رسید، که تلج الفؤاد [۱۱] و ساکن للقلب باشند، مختصر از کماهی آن اینکه بابی از علم و معرفت توحید خداوند عالم از لفظ خفی خودش به حقیر عنایت فرموده و از کم ظرفی نفس خود اظهاراتی شده و این اعظم خطا است. زیرا که تکلیف نفس خود بوده نه دیگری. بعضی از اهل علم به مشاهده این آثار از حسن ظن خود مقامی و تکلیفی فهمیده‌اند و یک حدیث بر قواعد قوم دیده و به مضمون فلیأتی به حدیث مثله از حسن فطرت خود تصدیق نموده، شکی که نیست از علوم رسوم اهل علم مطلع نبوده و نیستم بل از لسان فطرت مناجات و آیاتی تنطق نموده که حق واقع مطابق سنه آل الله سلام الله علیهم است. اشهد الله و کفی بی شهیدا تکلیف احدی نیست تصدیق، به همه اخبار نموده و کل طلاب به اطراف نوشته باشند، و بر اهل تصدیق فرض است رجوع به نفس خود نموده کسی که طالب هستند حاوی کل علوم باشد دیده تبعیت نمایند، جناب قبله معظم آخوند ملا محمد تقی هروی را عرض سلام ابلاغ داشته که مردم را از تزلزل و تصدیق بیرون آورده، و به نفس خود راجع نموده باشید، و بر کسی حلال نیست آمدن این بلد زیرا که من مدعی امری نیستم و حکم فتنه اشد از قتل است. سواد صفحه‌ی عربی را طلاب به کل بلاد برسانند که همه بر یقین باشند که بنده هستم بی‌علم. در روز قیامت از آن سئوال خواهد فرمود. خداوند عالم و اهل محبت او شاهد و بصیرند که بر امری نیستم که بر احدی فرض باشد طاعه من و آثاری که دلالت بر این مقام می‌کند راجع به خود حقیر است و حکمی از برای آنها

نیست و اهل یقین را هم از این امر رجوع دهند به این ورقه تا همه اخلاص باشند. دو ورقه‌ی جوف را به صاحبانش رد فرمایند که من نیستم در ماه رمضان. کتب کثیری جمع بود چهارده دعا به جهت تسلی خود نوشتم و جواب همه اشاره نمودم، من جمله دعایی به اسمی که اشاره نموده‌اید آخر نسخه بود که نوشته شده بود ولی مقابله نشده و چون که به خط شکسته و با کمال استعجال نوشته می‌شود کاتب نمی‌تواند بخواند، یحتمل بر قواعد بعضی مقامات درست نیاید و الا فطرت بر نهج واقع مصطلح قواعد حقه است و این دعا با ذکر توحید فضل الا الله است که بر اجماع ضرری ندارد ولی اگر دلیل بر حکمی باشد دلیل نیست، و هر کس عمل نماید مجرم است، به همه اختیار فرموده، بلکه ان شاء الله استخلاص خود و کل حاصل شود و هو العلی الکبیر [۱۲]. در این متن تأکیدی آمده که ارزش محتوایی آن را هم سنگ توبه‌نامه معروف می‌کند؛ از جمله: بایی از ابواب علم بودن، در عین کم‌ظرفیتی، عوام فریبی، بی‌سوادی، عدم لزوم تبعیت از وی، التماس رفع خطر، منع پیروان از آمدن نزد وی، رد هر گونه ادعا، صحنه بر حکم قتل در صورت ادامه‌ی فتنه، سخت خوان بودن دست نوشته‌های خویش و بالاخره استدعای عاجزانه برای خلاص شدن از تنگنایی که در آن قرار داشته است. متن توبه‌نامه اصلی که خطاب به ناصرالدین میرزا ولیعهد نوشته شده و با حاشیه علمای تبریز همراه است به نقل از استاد حائری بدین قرار است [۱۳]. فداک روحی الحمدلله کما هو اهل و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه‌ی عباد خود شامل گردانیده، فحمداله ثم حمدا که مثل آن حضرت را ینبوع رأفت و رحمت خود فرموده که به ظهور عطفش عفو از بندگان و ستر بر مجرمان و ترحم بر یاغیان فرموده. اشهد الله و من عبده که این بنده‌ی ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد. اگر چه به نفسه وجودم ذنب صرف است، ولی چون قلبم موقن به توحید خداوند جل ذکره و به نبوة رسول او (ص) و ولایة اوست و لسانم مقرر بر کل ما نزل من عندالله است امید رحمت او را دارم و مطلقا خلاف رضای حق را نخواسته‌ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده و از قلم جاری شده، غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را. و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد. استغفر الله ربی و اتوب الیه من ینسب الی امر. و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست، و مدعی نیابت خاصه حضرت حجّة الله علیه السلام را محض ادعی مبطل است و این بنده را چنین ادعایی نبوده و نه ادعای دیگر. مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت چنان است که این دعاگو را به الطاف و عنایات بساط رأفت و رحمت خود سرفراز فرمایند والسلام. هر چند این توبه‌نامه همچون قریب به اتفاق متون کتابت شده توسط سید علی محمد امضا و مهری ندارد، [۱۴] و حتی مخاطب آن نیز به وضوح پیدا نیست اما با دقت نظر در متن و سبک نگارش و مقایسه دستخط آن با سایر الواح و مکتوبات سید علی محمد شیرازی به روشنی معلوم می‌شود که توسط خود باب نوشته شده است. در عین حال به خط شکسته‌ی بی‌نقطه نوشته شده که از زیرکی‌های سید علی محمد در نوشته‌هایش بوده تا با سخت خوان نمودن متن و ابهام در آن و ایجاد زمینه تصحیف و دگرخوانی، بتواند در صورت امکان از زیر بار برخی از خطاها در آنچه نوشته بوده شانه خالی کند. وی در متن سند دوم که پیش‌تر ارائه گردید به این سبک نویسندگی خود تصریح دارد: «دعایی به اسمی که اشاره نموده‌اید آخر نسخه بود که نوشته شده بود ولی مقابله نشده و چون که به خط شکسته با کمال استعجال نوشته می‌شود کاتب نمی‌تواند بخواند، یحتمل بر قواعد بعضی مقامات درست نیاید و الا فطرت بر نهج واقع مصطلح قواعد حقه است...» علمای تبریز نیز پس از توبه‌ی سید علی محمد باب، پاسخی به او دادند. سید ابوالقاسم حسینی حسینی و علی اصغر حسینی حسینی پاسخ خود را نه در برگه‌ای جداگانه که در حاشیه‌ی همان توبه‌نامه بدین شرح نگاهشته‌اند: سید علی محمد شیرازی! شما در بزم همایون و محفل میمون در حضور نواب اشرف والا، ولیعهد دولت بی‌زوال ایده الله و سده و نصره و حضور جمعی از علمای اعلام، اقرار به مطالب چندی کردی که هر یک جداگانه باعث ارتداد شماست و موجب قتل. توبه‌ی مرتد فطری مقبول نیست و چیزی که موجب تأخیر قتل شما شده است، شبهه‌ی خبط دماغ است، که اگر آن شبهه رفع شود، بلا تأمل احکام مرتد فطری به شما جاری می‌شود. مهر چهارگوش هر دو عالم بر جسته تبریزی ذیل نوشته‌ی ایشان در حاشیه توبه‌نامه درج شده، آن گاه

این توبه‌نامه به ضمیمه‌ی گزارش ولیعهد، ناصرالدین میرزا، برای محمد شاه ارسال گردید که در منابع تاریخی مندرج است، [۱۵]

### چگونگی انتقال توبه نامه باب به کتابخانه مجلس

توبه‌نامه سید علی محمد باب توسط «ارباب کیخسرو و شاهرخ» از رجال سیاسی ایران و نماینده‌ی زرتشتیان در یازده دوره مجلس شورا، رئیس اداره مباشرت (کارپردازی) در دوازده دوره و بنیان‌گذار کتابخانه، چاپخانه و موزه‌ی مجلس و مورد وثوق ملت و دولت فراهم گردیده، به صندوق کارپردازی سپرده شده است. او همواره زرتشتیان را از پیوستن به آیین بهایی منع می‌کرد و همواره از رهبران این فرقه بیزاری می‌جست که می‌کوشیدند او را به جمع هواداران خود جلب کنند. در مقابل، عباس افندی هم از عاقبت شوم ارباب کیخسرو در یکی از الواح خود چنین می‌نویسد: «... رسوایی کیخسرو و کرمانی، آن نیز اگر اندکی هوش و دانش داشت البته متنبه و متذکر می‌شد که اسباب خدائی بود...» [۹]. که گویا اشاره به مرگ فرزندش شاهرخ دارد که در دلیجانی به همراه پرنس ارفع الدوله که هنگام سفر به اروپا از راه عراق در میانه راه اصفهان در محلی به نام ایزدخواست، مورد حمله راهزنان قرار می‌گیرد و به ضرب گلوله کشته می‌شود [۱۰]. در هر حال ارباب کیخسرو پس از به دست آوردن توبه‌نامه، شرحی در خصوص چگونگی فراهم آوری آن به خط خود می‌نویسد و به روی صندوق کوچک قرمز رنگی الصاق می‌کند که توبه‌نامه درون آن نگهداری می‌شد. استاد حائری که خود این صندوق و توبه‌نامه را سه مرتبه مورد بازدید قرار داده بود، تصویری از توبه‌نامه تهیه نمود که عینا همان توبه‌نامه اصلی چاپ شده در منابع معتبر مذکور است. اما جای تأسف است که از یادداشت ارباب کیخسرو تصویری تهیه نشد و در بازدید اخیرشان از محتویات صندوق کارپردازی (اسفند ماه ۱۳۸۵) علی رغم وجود توبه‌نامه، از صندوق قرمز رنگ و یادداشت ارباب کیخسرو سراغی نیافتند. مرحوم محیط طباطبایی در مقاله‌ای با عنوان «عظیم پس از باب و پیش از ازل» در خصوص جابه‌جایی، نگهداری و اهمیت این اسناد می‌نویسد: «این مدرک در ضمن مجموعه اسناد دولتی تا صدر مشروطه محفوظ بود و پس از استقرار مشروطه از دربار به کتابخانه مجلس شورای ملی انتقال یافت و تا سی و اندی سال قبل، توبه‌نامه را در تالار مطالعه کتابخانه سابق مجلس بر دیواری آویخته می‌دیدیم و هم اکنون عین ورقه‌ی درون صندوق امانات مجلس شوری در بانک ملی نگهداری می‌شود. مدلول این نامه بر پژوهندگان روشن می‌کند که چرا علمای تبریز در همان زمان حکم به ارتداد باب ندادند [۱۱] و او را مدتی دیگر در بازداشت نگه داشتند تا آنکه در ۱۲۶۶ هجری به روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه حکم قتل او را صادر و اجرا شد. این نامه‌ی چند سطر که مورد قبول عبدالبهاء و میرزا ابوالفضل در کشف الغطا و مستر برون در مواد تحقیقی برای بابی‌گری هم قرار گرفته بیش از آن همه هیاکل و توقیعات و مناجات‌ها و ادعیه‌ای که به خط سید منسوب شده (چون از ۱۲۶۹ تا امروز در محل معینی پیوسته نگهداری می‌شده است) از نظر خطشناسی بیشتر قابل اعتماد محسوب می‌شود [۱۲]. طرح واهی بودن توبه باب و جعلی بودن توبه‌نامه او با وجود چنین اسناد معتبری راه به جایی نمی‌برد و بایان و بهاییان و پیروان ساده‌اندیشان باید بنگرند که بنای اعتقادات خود را بر چه خشت کجی نهاده‌اند و تا ثریا هم که دیوار این قصر پوشالی را بلند کنند، سرنوشتی جز فرو ریختن در انتظار آن نیست. چندین چراغ دارد و بی راه می‌رود بگذار تا بیفتد و ببیند سزای خویش

### پاورقی

- [۱] دشتی، مهدی، «بررسی داستان توبه و تنبه از مشایخ در کتب صوفیه»، پژوهشنامه علوم انسانی، صص ۳۰ - ۵۰. نیز ر.ک: جستجو در تصوف ایران از عبدالحسین زرین کوب، پیدایش و سیر تصوف اثر نیکلسون و تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری.
- [۲] لکایی اندی، مجید، تدبیری کیفرزدا در حقوق اسلامی»، نشریه نگهبان، شماره ۵۰، صص ۲۴-۲۶.
- [۳] مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبایی طی سلسله مقالات ارزنده‌ای که در شماره‌های مختلف مجله گوهر از سال دوم تا ششم



منتشر ساختند به بررسی انتقادی این اثر و دیگر آثار فرقه بایه و بهاییه از جمله تاریخ نبیل زرنندی، ایقان یا رساله‌ی خالدیه و کتاب اقدس از بعد کتابشناسی و استنادی پرداخته، نکات بسیار مهمی را طی آنها بیان نموده است که جا دارد به صورت یک جا در کتابی مستقل چاپ و منتشر شود.

[۴] این خاطرات و گزارش‌ها پس از فروپاشی رژیم تزاری روسیه در مجله شرق (ارگان حزب سوسیالیستی شوروی) به چاپ رسید تا رژیم کمونیستی جدید شوروی به این وسیله مفاسد رژیم قبلی را برملا کرده باشد. این خاطرات به سال ۱۳۲۲ ق در سالنامه خراسان تحت عنوان «اعترافات کینیاز دالگوروکی» ترجمه و منتشر شد و در سال ۱۳۴۳ تحت عنوان اسرار پیدایش شیخیه و بایه و بهائیت با مقدمه‌ی محمد مهدی خالصی کاظمینی لباس نشر پوشید و اخیراً نیز توسط مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الکریم حسینیہ کربلائی اصفهان با ترجمه آقای حیدر بهرمن منتشر گردیده است، که به صورت پاورقی در شماره‌های ۲۱-۲۷ نشریه خورشید مکه منتشر شده. گویا از این خاطرات چاپ‌های دیگری هم توسط انتشارات کتابفروشی حافظ و دارالکتب الاسلامیه صورت پذیرفته است.

[۵] این بخش از خاطرات دالگوروکی از شماره‌های ۲۱-۲۷ مجله خورشید مکه استخراج و تلخیص گردید.

[۶] آیتی پس از بازگشت و توبه از بهائیت در کتاب کشف الحیل (ج دوم، صص ۸۸-۸۹) به ماجرای توبه‌نامه باب نیز پرداخته، عکس‌العمل دولت در این خصوص را شرح داده است.

[۷] منظور حاجی میرزا آغاسی صدراعظم محمد شاه است.

[۸] حسینی طباطبایی، مصطفی، ماجرای باب و بهاء، تهران، روزنه، ۱۳۷۹، صص ۹۶-۹۷.

[۹] ر.ک: «توبه‌نامه باب و شایعات پیرامون آن»، مجله پیام بهارستان، شماره ۳۰، آذر ۱۳۸۲، صص ۸۴-۸۹.]

[۱۰] یعنی سید علی محمد باب.

[۱۱] آیتی، عبدالحسین، کشف الحیل، ج دوم، ص ۷۳.

[۱۲] در متن کشف الحیل: علی محد بن المرحوم محمدرضا.

[۱۳] مربوط به صفحات ۱۶۹ و ۱۷۰ نسخه‌ی مزبور.

[۱۴] استاد حائری این ترکیب «ثلج الفؤاد» یا برف قلب را ترکیبی بسیار ضعیف و نازل در زبان عربی دانسته‌اند که مفهومی شبیه «دل خنک کردن» را از آن می‌جسته و این خود یکی از نشانه‌های بی‌سوادی و کم‌مایگی سید علی محمد باب است.

[۱۵] صفحات ۱۹۴-۱۹۷ از جنگ خطی آثار باب.

[۱۶] این قرائت با قرائت ادوارد براون در چند کلمه مختصر متفاوت است که هیچ تأثیری در فہوای کلی کلام ندارد.

[۱۷] به همین دلیل هم دکتر سیروس پرهام در مقاله «ماجرای اسناد مشروطه و توبه‌نامه باب» که از شماره مربوط به بهار ۸۱ در نشریه نشر دانش منتشر نمود به علت نداشتن مهر و امضا در پای توبه‌نامه آن را مجعول قلمداد نموده بود که با اشاره استاد حائری مبنی بر وجود مهر و امضای علمای تبریز در حاشیه توبه‌نامه در پاسخ به سید علی محمد باب، متن و حاشیه با توضیحات لازم در شماره سی‌ام مجله پیام بهارستان (آذر ۸۲، صص ۸۴-۸۹) چاپ شد.

[۱۸] استاد محیط طباطبایی این سند تاریخی توبه‌نامه را تنها نمونه‌ی دستخط سید باب برای مقابله با خطور منسوب، دانسته چرا که با گزارش رسمی ولیعهد خطاب به شاه مملکت همراه بوده است. (ر.ک: «چند نکته درباره یک مقاله: عظیم پس از باب و پیش از ازل»، گوهر، س ششم مسلسل ۶۳، ص ۱۸۰.

[۱۹] ر.ک: گفت و شنود سید محمد باب با روحانیون تبریز، تألیف میرزا محمد مامقانی که به اهتمام حسن مرسلوند در سال ۱۳۷۴ توسط نشر تاریخ ایران منتشر شد.

- [۲۰] نه آنکه پاسخ گفته و از قرآن نیز مانده‌هایی یاد کرده. این یک نمونه است که چگونه ناچار شده‌اند تاریخ را کج گردانند و به داستان‌ها رنگ‌های دیگر دهند. (نقل از بهایی‌گری تألیف احمد کسروی، تهران، مرد امروز، ۱۳۳۵، ص ۳۵.
- [۲۱] کشف الغطاء، صص ۲۰۱-۲۰۲؛ ر.ک: بهایی‌گری، ص ۳۴ و بهائیت در ایران، ص ۱۸۸.
- [۲۲] نیکو، حسن، فلسفه نیکو، تهران، فراهانی، ج ۲، ص ۱۸۳.
- [۲۳] خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایت، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، مازیار، ۱۳۸۱، صص ۲۲-۲۳.
- [۲۴] خبط دماغ یا دیوانگی، دلیلی بود که باعث شد علمای تبریز موقتاً حکم ارتداد او را به تأخیر بیندازند. اما پس از درگذشت محمد شاه و بر کناری میرزا آغاسی و روی کار آمدن ناصرالدین شاه، میرزا تقی خان امیرکبیر و شیطنت و شلوغی بایبان به پیشاهنگی ملا-حسین بشرویه‌ای و دیگران، دیگر جای تأمل نبود و رشته حیات او را پاره کردند تا فتنه‌ای از میان برخیزد و غبار آشوب بنشیند.
- [۲۵] مجله گوهر، س ششم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۷ (مسلسل ۶۲)، ص ۱۸۰.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۴۵۲۳۳۳۳ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،



خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

